

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۷ آبان ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ -

مصادف با: ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۶

بخش اول: «وَاذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» - مطلب اول

جلسه: ۸

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸

بعد از توضیح کلی این دو آیه و بیان مفردات و ارتباط این دو آیه با آیات قبل، در مقام تفسیر طبق روش معهود در این درس، ما این آیات را به چند بخش تقسیم می‌کنیم. آیه ۵۸ به پنج بخش قابل تقسیم است. این پنج بخش مشتمل بر چهار امر و ثمره و نتیجه این اوامر الهی است. البته در میان این چهار امر، برخی جنبه مقدمی و برخی جنبه نفسی دارند. بخش اول: «وَاذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ»، به یاد بیاورید زمانی که ما به شما امر کردیم که داخل در این قریه شوید. این یک امر؛ امر به ورود به این قریه.

بخش دوم: «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا»، این بخش هم مشتمل بر یک امر دیگری است.

بخش سوم: «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»، این هم مشتمل بر یک امر است؛ امر به ورود به آن قریه با حالت خضوع و خشوع.

بخش چهارم: «وَقُولُوا حِطَّةٌ»، امر به گفتن و بر زبان آوردن آمرزش گناهان و درخواست عفو.

بخش پنجم: «نَعْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»، این هم به ثمره و جزا و پاداش امتثال اوامر چهارگانه پیشین پرداخته است.

پس ما این پنج بخش را از ان شاء الله باید تفسیر کنیم.

بخش اول: «وَاذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ»

این اولین امر از اوامر چهارگانه این آیه است. امر به دخول در این قریه شده است.

مطلب اول

اولین مطلبی که اینجا باید به آن پردازیم، این است که این امر، امر الزامی است یا غیر الزامی. یعنی «ادخلوا» به این معناست که حتماً باید وارد شوید یا اینکه امر غیر الزامی است یا به تعبیر دیگر اباحه را می‌رساند؛ یعنی مجاز هستید به این قریه وارد شوید.

قرینه امر غیر الزامی

دلیل این احتمال این است که قبلاً از ورود به این سرزمین منع شده بودند. عرض کردیم به خاطر ناشکری و گناه و معصیت و سرکشی‌هایی که بنی‌اسرائیل داشتند، چهل سال در آن بیابان سرگردان بودند و از ورود به این سرزمین منع

شده بودند. بنابراین چون پیش از این امر منع و حذری بوده یا به تعبیر دیگر امر در مقام حذر است، لذا دلالت بر اباحه می‌کند.

دو قرینه امر الزامی

برخی از مفسرین گفته‌اند که این امر، الزامی است؛ «ادخلوا هذه القرية» یعنی باید حتماً به این قریه و به این سرزمین وارد شوید. فخر رازی به دو وجه و دلیل برای اثبات الزامی بودن این امر اشاره کرده است:

۱. یکی اینکه این از باب مقدمه واجب، واجب است؛ چون واجب در اینجا دخول الباب سجداً است و این یک واجب شرعی است. وقتی می‌گوید وارد شوید، طبیعتاً این امر، امر الزامی و یک واجب شرعی است. بنابراین از آنجا که وارد شدن به این دَر و دخول از این دَر به حالت خضوع و خشوع، منوط و مشروط به دخول در قریه است، پس از باب اینکه این مقدمه واجب است، آن هم واجب است. یا به تعبیر دیگر از باب اینکه لایتم الواجب إلا به فهو واجب. پس از باب مقدمیت برای یک واجب، این هم باید الزامی و واجب شود.

۲. وجه دوم، آیه «ادخلوا الأرض المقدسة التي كتب الله لكم ولما ترتدوا على أذباركم» است. اینجا تقریباً ظهور در این دارد که ورود در ارض مقدسه یک واجب الهی است؛ ارضی که خداوند ورود به آن را برای شما لازم کرده است. حالا «کتب» اینجا به معنای وجب است، یعنی ارضی که برای شما واجب کرده که اینجا باشید یا ارضی که خداوند برای شما قرار داده است، یعنی «کتب» به معنای جعل. به هر حال ایشان می‌گویند این آیه که تقریباً به وضوح بیان کرده است که این را خدا برای شما مقرر کرده، کتب الله لكم که در داخل این ارض مقدسه شوید، معلوم می‌شود امر به دخول در این قریه یک امر الزامی است.

وجه اباحه هم بیان شد؛ اینکه ما بگوییم امر به دخول در این قریه یک امر غیر الزامی است، بدین جهت است که امر بعد از حذر و منع از ورود به این قریه است. وقتی این منع برداشته می‌شود، یعنی می‌توانید و این برای شما مجاز و مباح است؛ معنایش این نیست که حتماً باید بروید و اگر کسی وارد نشود، معصیت کرده است.

بعید نیست که ما احتمال اول را بپذیریم؛ اینکه این امر، امر الزامی است به واسطه آن دو وجهی که اشاره شد و البته برخی قرائن دیگر می‌توانیم به آن ضمیمه کنیم؛ چون این امر در ضمن مجموعه‌ای از اوامر صادر شده است؛ به غیر از «وادخلوا الباب سجداً» که بیان شد، امر به درخواست آمرزش گناه و اینکه به دنبال آن خداوند می‌فرماید ما شما را می‌بخشیم، کأن مجموع این اوامر و دستورات یک الزام و تکلیفی شاق برای این مردم بود تا گناهان آنها آمرزیده شود. یعنی اعطای یک فرصت دوباره به بنی‌اسرائیل برای پوشاندن و برطرف کردن خطاهای گذشته؛ هر چند اینجا هم ناسپاسی دیگری آشکار شد، اما با توجه به سلسله مخالفت و سرکشی‌های پس از آن، اینجا خداوند اشاره می‌کند به یک نعمت دیگر که عرض کردم خروج از تحیر و سرگردانی چهل ساله در آن سرزمین و ورود به جایی که انواع و اقسام نعمت‌ها برای آنها فراهم بود.

علاوه بر این دو قرینه که اشاره شد، ما قرائن دیگری هم می‌توانیم ذکر کنیم؛ یکی سیاق همین دو آیه است و دیگری تمهید مقدمه برای غفران الهی و مغفرت و رحمت الهی برای اینکه گناهان اینها پاک شود، و برخی قرائن دیگر. مطلب دوم این است که این امر، امر نفسی است یا غیری، همانطور که اشاره شد، بعید نیست که ما بگوییم این امر غیری است؛ یعنی دخول در این قریه برای استفاده از نعمت‌ها و ایجاد حالت خضوع و خشوع است. این خیلی اهمیتی ندارد.

بحث جلسه آینده

اما مسئله مهم‌تر در مورد قریه است که این قریه در اینجا بر چه شهر یا سرزمینی تطبیق داده شده است. ما کلیت معنای قریه را بیان کردیم و واژه قریه را توضیح دادیم. مهم این است که آیا منظور از قریه خود مصر است یا بیت‌المقدس یا اریحا، اینها همه قائل دارند؛ چند احتمال در اینجا وجود دارد که در جلسه آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»